

ضرورت بازنگری در سیاستگذاری آزمون ارشد علوم سیاسی (مطالعه موردی: آزمون ۱۳۸۷)

حسین جمالی*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲۴ - تاریخ تصویب: ۸۷/۲/۲۲)

چکیده:

در بررسی حاضر، سؤال اصلی تحقیق این است که به چه میزان، آزمون کارشناسی ارشد ۱۳۸۷ گرایش علوم سیاسی، با اصول و قواعد آزمون سازی علمی مطابقت دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، آزمون فوق، با معیارهایی چون روایی محتوایی، حیطه های شناختی مورد سنجش، قواعد طرح و تهیه سوالات و گزینه ها، منابع آزمون و قواعد صوری سؤال نویسی تجزیه و تحلیل شد. یافته های پژوهش: بیشتر ماده های امتحانی، کم و بیش، فاقد روایی محتوایی مناسب بوده؛ میزان سوالات تکراری در آزمون ها نسبتاً زیاد می باشد. اگرچه بیشتر ماده های امتحانی، به لحاظ منابع آزمون، قابل قبول هستند؛ به علاوه، سوالات در بیشتر ماده های امتحانی، به لحاظ اهداف آموزشی مورد سنجش، معطوف به حیطه شناختی دانش، به مثابه نازل ترین سطح اهداف آموزشی مورد نظر می باشند. با این همه، وجود پاسخ های متفاوت با توجه به منابع متفاوت، سؤال از وجوه فرعی، گزینه های نادرست، گزینه مبهم، طراحی سؤال نادرست و سؤال از دیگر ماده های امتحانی، از مشکلات جدی و اساسی آزمون هاست. البته، همه آزمون ها از نظر قواعد صوری سؤال نویسی، مشکل چندانی ندارند. در پایان، پیشنهادات و راه حل های کاربردی نیز ارائه شد.

واژگان کلیدی:

روایی آزمون، آزمون سازی، آزمون ارشد، گرایش علوم سیاسی، اهداف آموزشی مورد سنجش، ماده های امتحانی

طرح مسأله

سازمان سنجش آموزش کشور در اسفند ماه هر سال اقدام به برگزاری آزمون کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی^۱ می‌کند تا از این طریق، افراد شایسته برای ورود به دوره کارشناسی ارشد (فوق لیسانس)، شناسایی و انتخاب شوند. این آزمون‌ها، هم از نظر «سوالات و پاسخ‌ها» و هم از نظر «نتایج»، زمینه ساز پژوهش حاضر شده است. مطالعه سوالات و پاسخ‌های آزمون و تأمل اولیه بر آنها، بیانگر آن بوده که برخی ایرادات جدی بر این آزمون‌ها وارد است. بر همین اساس، سوالات آزمون‌های سال‌های اخیر، در یک پژوهش تحلیلی همه‌جانبه، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن، در مقاله منتشره، قابل مطالعه است (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۳-۷۸).^۲ نتایج این آزمون‌ها از نظر وضعیت پذیرفته شدگان نیز قابل تأمل و بررسی است؛ چرا که بنا بر مطالعه موردی، میزان پذیرفته شدگان از سایر رشته‌ها در این آزمون‌ها تا حدود زیادی نامتعارف است. به صورت نمونه، پذیرفته شدگان گرایش علوم سیاسی در دانشگاه مازندران (بدون احتساب دانشجویان ممتاز) بدین صورت بوده است: سال ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، هر سال ۱۲ نفر. در سال ۱۳۸۴، ده نفر از پذیرفته شدگان، دارای کارشناسی علوم سیاسی و دو نفر (۱۶٪) از رشته‌های غیر مرتبط، در سال ۱۳۸۵، هشت نفر دارای کارشناسی علوم سیاسی و چهار نفر (۳۴٪) از رشته‌های غیر مرتبط و در سال ۱۳۸۶، تنها یک نفر از پذیرفته شدگان (۸٪)، دارای رشته تحصیلی کارشناسی غیر مرتبط بوده است. چنانچه این آمار نشان می‌دهد، در یک سال تحصیلی، یعنی ۱۳۸۵، مدرک تحصیلی کارشناسی بیش از سی درصد پذیرفته شدگان در این دانشگاه، از رشته‌های غیر مرتبط با رشته علوم سیاسی بوده است. این زمینه‌ها موجب شد تا پژوهشگر حاضر با دقت بیشتر به بررسی و تحلیل آزمون کارشناسی ارشد گرایش علوم سیاسی بپردازد. بررسی اولیه «آزمون سال ۱۳۸۷ گرایش علوم سیاسی» مجدداً پژوهشگر را به واری و تأمل بیشتر در سوالات و پاسخ‌های آزمون واداشت. تأملات و مطالعات اولیه حکایت از آن داشت که در این آزمون، علاوه بر تداوم برخی از نتایج پژوهش پیشین، دو مورد دیگر نیز، به طور خاص و برجسته، خود را نشان می‌دهند: ۱. وجود برخی سوالات و پاسخ‌های نادرست در آزمون. ۲. گزینش یک منبع برای طراحی اکثر سوالات یک

۱. در آزمون کارشناسی ارشد، گرایش‌های مختلفی وجود دارد. در این مقاله، فقط آزمون گرایش «علوم سیاسی» بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. این مقاله در همایش انجمن علوم سیاسی ایران با عنوان «بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران» ۲۶ و ۲۷/۲/۱۳۶۸ در دانشگاه تهران ارائه و در مجموعه‌های زیر چاپ شد: «آسیب شناسی آزمون‌های پنج سال اخیر کارشناسی کارشناسی ارشد علوم سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، ۱۳۸۵، شماره ۵، صص ۲۳-۷۸؛ در مجموعه مقالات بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷، صص ۳۵۷-۴۳۳.

ماده امتحانی در آزمون. البته، نتایج پذیرفته شدگان این آزمون نیز چندان با روند پیشین، متفاوت نبوده و هم‌چنان تعداد قبول شدگان فاقد تحصیلات رشته علوم سیاسی در دوره کارشناسی (۳ نفر؛ ۲۳٪)، خارج از حد معمول و متعارف می‌باشد.

سوال اصلی تحقیق: با توجه به موارد مطرح شده در مورد «سوالات آزمون» و بررسی موردی «نتایج آزمون» در دانشگاه مازندران در گرایش علوم سیاسی، این سوال اصلی و جدی قابل طرح است که: به چه میزان، آزمون ۱۳۸۷ گرایش علوم سیاسی، با اصول و قواعد آزمون سازی علمی مطابقت دارد؟ آیا این آزمون می‌تواند ملاک‌گزینش افراد برجسته و مستعدی باشد که عمدتاً دارای قوه ذهنی استنباطی و استنتاجی قوی و نه صرفاً دارای قوه حافظه نیرومند هستند؟ فرضیه پژوهش: پاسخ مقدماتی و احتمالی به سوال تحقیق، از نظر پژوهشگر، عبارت است از: در آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی سال ۱۳۸۷، هم‌چنان برخی از ایرادات موجه وارد به آزمون‌های قبلی، تداوم یافته و حتی با ورود متغیرهای دیگری چون «سوالات نادرست» و «گزینش منابع به صورت نامتعارف»، این آزمون چنان‌چه باید، با اصول و قواعد آزمون سازی علمی مطابقت نداشته و دارای اشکالاتی چون ضعف روایی محتوایی و حافظه محور بودن می‌باشد.

روش پژوهش: روش تحقیق حاضر تلفیقی از تحلیل منطقی - عقلانی، مطالعات اسنادی و مقایسه می‌باشد. تحلیل عقلانی - منطقی (حافظ نیا، ۱۳۷۷: ۱۹۹-۲۰۲) عمدتاً در مورد کل پژوهش حاضر به کار گرفته خواهد شد. بخش مربوط به سوالات آزمون و پاسخ‌های آنها از طریق مطالعات اسنادی انجام خواهد شد. از روش مقایسه‌ای (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۸۱-۳۰۲) برای مقایسه موارد مورد بررسی در ماده‌های امتحانی مختلف و تحلیل آنها استفاده می‌شود. البته، در بهره‌گیری از روش عقلانی - منطقی، اصل تقدم استقرا بر قیاس، که منطق حاکم بر دانش مدرن است (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۷-۵۸)، مبنای مورد قبول در این مقاله است.

اهداف تحقیق: هدف علمی تحقیق، تحلیل دقیق و عمیق آزمون ورودی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی سال ۱۳۸۷ برای تطابق بیشتر آن با اصول و قواعد آزمون سازی علمی است. به علاوه، دفتر آزمون سازی و روان‌سنجی سازمان سنجش آموزش کشور می‌تواند با استفاده از نتایج این پژوهش، اعتبار و روایی آزمون ارشد گرایش علوم سیاسی را افزایش دهد.

وجوه مورد بررسی آزمون ارشد ۸۷

در مقاله حاضر، هر یک از مواد امتحانی آزمون کارشناسی ارشد ۱۳۸۷، گرایش علوم سیاسی، به تفکیک و با معیارهایی چون روایی محتوایی (جامعیت آزمون)، حیطه‌های شناختی، قواعد طرح و تهیه سؤالات و گزینه‌ها شامل: سوالات عیناً برگرفته از متن منابع، سوالات

تکراری، سوالات ساده، سؤال از وجوه فرعی، سوال از دیگر ماده‌های امتحانی، گزینه‌های نادرست، پاسخ متفاوت با توجه به منابع متفاوت، گزینه مبهم، طراحی سوال نادرست، منابع آزمون و قواعد صوری سوال نویسی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند. هر یک از موارد، دارای تعریف، شاخص و توضیحات می‌باشد که در بخش ضmann مقاله آمده است. برای افزایش دقت در هر قسمت بالا، از برخی منابع در زمینه آزمون سازی (سیف، ۱۳۸۴؛ نادری و سیف نراقی، ۱۳۷۱؛ سیف، ۱۳۸۶؛ سیف، ۱۳۸۰)، نظرات و تجربیات اساتید رشته علوم تربیتی (دانشگاه مازندران)^۱، «دستورالعمل طرح و تهیه سؤال» مربوط به دفتر آزمون سازی و روان سنجی سازمان سنجش آموزش کشور^۲ و اظهارنظر و تجربیات اساتید رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران، به مثابه متخصصین در این حوزه بهره گرفته شد. البته، برای دقت در پژوهش، منابع معتبر و مهم تمامی ماده‌های امتحانی^۳، مطالعه و بررسی شد و پاسخ‌های سوالات^۴ استخراج شد. در این زمینه، تنها پاسخ سوالات محدودی یافت نشد که در ضمیمه آمده است. در اینجا، به دلیل محدودیت صفحه‌های یک مقاله در این مجله، تنها بررسی‌ها و نتایج ماده‌های امتحانی خاص که مشکلات نسبتاً بیشتر دارند، ارائه می‌شود و بقیه موارد در دفتر مجله، موجود است.

تحلیل ماده امتحانی «جهان سوم و مسائل آن»

۱. روایی محتوایی آزمون (محورها و مضامین اصلی مورد سوال): موضوعات و محورهایی که در جهان سوم و مسائل آن، مورد پرسش قرار گرفته، همراه با شماره سوالات مربوطه، به شرح زیر می‌باشد: فردریک لیست (۱۸۱)، وابستگی (۱۸۲-۱۹۵-۲۱۰)، ابعاد توسعه یافتگی داخلی و سیاست خارجی (۱۸۳)، نوسازی (۱۸۴-۱۹۹)، تفاوت توسعه یافتگی غرب با جهان سوم (۱۸۵)، دلایل پیشی گرفتن تجارت بر فعالیت تولیدی - صنعتی (۱۸۷)؛ نظام حامی - پیرو (۱۸۸)، مشکل تشخیص موقعیت و وضعیت ایرانیان (۱۸۹)، عدم رشد همگون اقتصاد، سیاست و فرهنگ (۱۹۱)، هانتینگتون (۱۹۲)، شروط موفقیت نسبی جهان سوم (۱۹۳)، نخبه گرایی (۱۹۴-۱۹۷)، توسعه سیاسی (۱۹۶)، نظام پوپولیستی (۱۹۸)، توسعه پایدار (۲۰۰)، والراشتاین (۲۰۲)، پارسونز (۲۰۳)، بلا تکلیفی فرهنگی (۲۰۴)، نظریه انسجام درونی (۱۸۶-۱۸۷)

۱. دکتر ابراهیم صالحی عمران، دکتر حجت الله صفار حیدری و دکتر صمد ایزدی، از اعضای هیأت علمی گروه آموزشی علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.

۲. مقصود، «دستورالعمل طرح و تهیه سوالی» است که از سوی دفتر آزمون سازی و روان سنجی سازمان سنجش آموزش کشور، هر سال، برای تهیه بانک سوالات، برای اساتیدی که به عنوان طراحان این سوالات انتخاب می‌شوند ارسال می‌شود.

۳. این منابع در ضمیمه آمده است.

۴. سؤالات و پاسخ‌ها، به طور کامل و به تفکیک، در ضمیمه آمده است. البته، تمامی ضmannی که در این مقاله بدانها اشاره شده، به دلیل طولانی شدن مقاله، در دفتر مجله موجود است که در صورت درخواست کتبی پژوهشگران، در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

۱۹۰-۲۰۱-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷)، دوس سانتوس (۲۰۸)، نظریه پردازان ساختاری (۲۰۹). این داده‌ها نشان می‌دهند که برای سی سوال جهان سوم و مسائل آن، ۲۱ موضوع در نظر گرفته شده است. ارزیابی موضوعات و محورهای اصلی این آزمون با توجه به سرفصل‌ها، منابع معتبر و اظهار نظر مدرس^۱ این حوزه که بیان‌گر چگونگی جامعیت و عدم جامعیت آن می‌باشد، بدین شرح است: ماده آزمون «جهان سوم و مسائل آن»، علی‌القاعده، باید متضمن واحدهای درسی مرتبط با آن در رشته علوم سیاسی، شامل «مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم»، «نوسازی و دگرگونی سیاسی» و «امپریالیسم» باشد.^۲ اما مقایسه سرفصل‌های این سه درس و منابع معتبر در این حوزه‌ها^۳ با مضامین و محورهای مورد سوال آزمون جهان سوم، نشان می‌دهد که موضوعات مورد سوال، با دقت و نکته‌سنجی‌های لازم گزینش نشده‌اند: اول، با این که یک درس چهار واحدی در رشته علوم سیاسی با عنوان «شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم»^۴ وجود دارد اما هیچ سوالی در خصوص آن مطرح نشده است. دوم، تمرکز بر نظریه انسجام درونی با شش سوال و بیست درصد کل سوالات، به همراه نظریه نخبه‌گرایی، با دو سوال و شش درصد و در مجموع بیست و شش درصد، چندان وجهی ندارد؛ چرا که نظریه‌های متفاوت در این حوزه وجود دارد که تأکید و تمرکز بر این نظریه خاص، تنها مختار نویسنده کتابی است که این سوالات از آن طرح شده است. پس، سوالات این ماده امتحانی، متمرکز بر نظریه‌های خاص است که این تمرکز و توجه خاص، بنابر تنوع نظریه‌ها در جهان سوم و مسائل آن، قابل قبول به نظر نمی‌رسد. البته، موضوعات و مسائل جهان سوم، نشان می‌دهد که مسائل متنوع مورد پرسش قرار گرفته تا میزان آگاهی آزمودنی‌ها از آنها سنجیده شود؛ اما از آنجا که تقریباً تمامی سوالات مرتبط با موضوعات و مسائل اصلی جهان سوم از کتاب «عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران»، محمود سریع‌القلم، طرح شده است؛ این موضوعات دارای جهت‌گیری خاص هستند که در مقایسه با کتاب «مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم» احمد ساعی، از انتشارات سمت و منطبق با سرفصل، فاقد جامعیت لازم بوده؛ به گونه‌ای که از طرح بسیاری از مسائل اساسی در این زمینه، مانند استعمار، نسبت توسعه

۱. اظهار نظر دکتر حسین جمالی (مؤلف مقاله حاضر)، با ده سال سابقه تدریس این حوزه.

۲. در تأیید این مسأله، حداقل، استناد به این منبع، قابل ذکر است: سید داوود آقایی، راحله خاطری؛ هزار نکته، هزار سؤال جهان سوم و مسائل آن، تهران: انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۶. برای طراحی هزار نکته و هزار سؤال جهان سوم و مسائل آن از منابع این سه واحد درسی استفاده شده است. در ضمن، منابع مورد استفاده در این کتاب در ضمیمه آمده است.

۳. سرفصل و منابع معتبر سه درس «مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم»، «نوسازی و دگرگونی سیاسی» و «شناخت ماهیت امپریالیسم و عملکرد آن» در ضمیمه آمده است. لازم به یادآوری است که استنادات مربوط به سرفصل‌ها و منابع معتبر ماده‌های امتحانی مورد بررسی بعدی نیز در ضمیمه آمده است.

۴. البته، در برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه شهید بهشتی که در سرفصل واحد‌های درسی رشته علوم سیاسی تجدید نظر صورت گرفته، این درس با عنوان «نظریه‌های امپریالیسم» آمده است.

سیاسی و توسعه اقتصادی، مسائل جمعیتی، جهانی شدن و نسبت آن با جهان سوم و توسعه، بحران بدهی ها، شرکت های چندملیتی و نظریه های پردازان جهان سومی مانند حمزه علوی، غفلت شده است.

۲. حیطه های شناختی مورد سنجش: هنگامی که سوالات جهان سوم از نقطه نظر حیطه های شناختی مورد سنجش^۱، مورد بررسی قرار می گیرد نتایج به صورت زیر می باشد. داده ها به ترتیب، شامل حیطه های شناختی مورد سنجش، تعداد سوالات مربوطه و درصد می باشد: دانش (۱۱س، ۳۶٪)، فهمیدن (۱۷س، ۵۶٪)، تحلیل (۲س، ۶٪). داده های این قسمت بیانگر آن است که جهت گیری ۳۶ درصد سوالات، معطوف به دانش یعنی اطلاعات جزئی است. در حالی که ۵۶ درصد سوالات درصدد اند تا میزان فهم و چگونگی به کار بستن دانش فراگرفته از سوی آزمودنی ها را بسنجند. به علاوه، تنها ۶ درصد از این سوالات، مربوط به سطح عالی حیطه های شناختی می باشند. در نتیجه، بیشتر سوالات با هدف سنجش سطح متوسط یعنی فهمیدن و کار بستن طراحی شده اند. تمرکز بر سوالات مفهومی از جنبه های مثبت این آزمون به شمار می آید. با وجود این، طرح سوالات از یک کتاب و عیناً برگرفته از متن منبع که در ادامه مقاله می آید، از ارزش و اعتبار آن می کاهد.

۳ - قواعد طرح و تهیه سوالات و گزینه ها: با بررسی سوالات آزمون جهان سوم، برخی از مهم ترین نقدهای وارده زیر قابل بیان است.

الف) سوالات عیناً برگرفته از متن منبع: سوالاتی که حتی بدون کم ترین تغییر از متن منابع طراحی شده اند، به شرح زیر اند. داده ها، به ترتیب، شامل منبع، تعداد سوالات، شماره سوالات و درصد است: سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران (۱۳س، ۱۸۵-۱۸۹-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۴-۲۰۶-۲۰۹-۲۱۰: ۴۳٪)، ساعی، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم (۲س، ۱۹۲-۲۰۳: ۶٪)، ساعی، توسعه در مکاتب متعارض (۱س، ۲۰۸: ۳٪). داده های استخراج شده بیانگر آن است که حدود پنجاه درصد سوالات، عیناً از متن منبع برگرفته شده اند. طراحی سوالات بدین شیوه، اساساً با آزمون سازی علمی مطابقت ندارد. این شیوه طراحی سوالات، آزمون را در سطحی نامناسب و ضعیف قرار می دهد؛ چرا که آزمودنی ها، تنها با حفظ متون قادرند به این سوالات پاسخ دهد.

۱. جدول دقیق تر این بررسی که شامل بررسی تک تک سوالات در تمامی ماده امتحانی و به طور جداگانه است، در ضمیمه آمده است.

۲. بررسی فایل های سوالات و پاسخ های ماده های امتحانی، در بخش ضمائم، نشان دهنده چگونگی این موارد است.

ب) سوالات تکراری: سوالات تکراری در امتحان جهان سوم به شرح زیر است: س ۲۰۳، این سوال در آزمون ۸۲- س ۱۵۵، آزمون ۸۴- س ۳۷، آزمون ۸۵- س ۵۸ و آزمون ۸۶- س ۱۸۸ تکرار شده است. س ۲۰۵، این سوال در آزمون ۸۴- س ۴۱ و ۴۳ نیز آمده است. س ۲۰۸، این سوال در آزمون ۸۳- س ۱۸۷ آمده است. س ۱۹۷، این سوال در آزمون ۸۳- س ۱۹۸ نیز آمده است. س ۱۹۰، این سوال در آزمون ۸۳- س ۲۰۴ آمده است. س ۱۸۵، این سوال در آزمون ۸۴- س ۳۲ نیز آمده است. بنا بر اطلاعات فوق، شش سوال دقیقاً یا تقریباً تکراری در آزمون‌های ۸۱ تا ۸۶ جهان سوم وجود دارد. در مقایسه با تعداد کل سوالات، یعنی ۳۰ سوال، سوالات تکراری ۲۰ درصد آنها را شامل می‌شود. در ارزیابی این موضوع می‌توان گفت حجم نسبتاً بالای سوالات تکراری و مشابه به عنوان یکی از آسیب‌های جدی این آزمون می‌باشد؛ به گونه‌ای که دانشجویان مطلع و آگاه از مخزن سوالات (یعنی منابع موجود آزمون‌ها؛ متضمن سوالات و پاسخ‌ها) به آسانی می‌توانند بخشی قابل توجه از سوالات (یعنی حدود ۲۰ درصد) را پاسخ دهند.

ج) سوالات ساده: سوالات نسبتاً ساده آزمون جهان سوم با توجه به تکرار این سوالات در آزمون‌های پیشین و یا دانش کلی علم سیاست به شرح زیر می‌باشد. داده‌ها به ترتیب، شامل دلیل سادگی، شماره سوال و موضوع مورد سوال می‌باشد. در آزمون‌های قبلی آمده است: (س ۲۰۳ سه شکل وابستگی دوس سانتوس؛ س ۲۰۸ متغیرهای الگویی پارسونز)، پاسخ روشن و آشکار با توجه به گزینه‌های طرح شده: (س ۱۹۱ فرایند توسعه و نوسازی جهان سوم؛ س ۱۹۷ رهیافت نخبه‌گرایی؛ س ۲۰۶ تشکل اجتماعی)، شرح و بسط در درس‌های مختلف علوم سیاسی: (س ۱۹۲ هانتینگتون). از سی سوال، شش سوال یعنی بیست درصد از سوالات، بسیار ساده و سهل‌طراحی شده‌اند. وجود این تعداد سوالات در یک ماده امتحانی، تا حدودی زیاد بوده و با اصول و ضوابط آزمون‌سازی مطابقت ندارد.

د) وجود پاسخ‌های متفاوت با توجه به منابع متفاوت: برخی از سوالات در این ماده امتحانی به گونه‌ای هستند که گزینه انتخابی آن، فقط با ارجاع به منبعی خاص که سوال از آن طرح شده، درست است؛ هر چند با استناد و ارجاع به منابع دیگر، مجموعه یافته‌های دانش سیاسی و حتی دانش عمومی دانشجویان شرکت‌کننده در آزمون، برخی از دیگر گزینه‌ها هم می‌توانند درست باشند. این موارد عبارتند از: سوالات ۱۹۴، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۹۷، ۱۹۶ و ۲۰۰. در برخی موارد، تمامی گزینه‌ها و در برخی موارد، حداقل دو گزینه این سوالات، درست هستند. بر اساس معیارهای پیش‌گفته، وجود هر گونه سوالاتی از این دست، بیان‌گر سطح نامناسب آزمون است. از این رو، با توجه به این که شش سوال از این ماده امتحانی بدین صورت

طراحی شده اند که از مجموع سوالات، بیست درصد را شامل می شود، سطح و درجه این آزمون بسیار تنزل می یابد.

۴- منابع آزمون: منابعی که سوالات جهان سوم از آنها طرح شده اند، تعداد سوالات، شماره‌های مربوطه و درصد های هر یک به شرح زیراند: سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران (۲۱ س، ۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۹-۲۱۰: ۷۰٪)، ساعی، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی - سیاسی جهان سوم (۶س، ۱۸۲-۱۸۸-۱۹۲-۱۹۸-۲۰۲-۲۰۳: ۲۰٪)، ساعی، توسعه در مکاتب متعارض (۲ س، ۲۰۲-۲۰۸: ۶٪). با بررسی منابعی که سوالات از آنها طراحی شده است، این نتیجه به دست آمده که ۲۱ سوال از سی سوال آزمون جهان سوم، از کتاب عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران است. در اینجا، این سوال اساسی قابل طرح است که چرا حدود ۷۰ درصد سوالات آزمون جهان سوم از این کتاب که فاقد ویژگی های یک متن آموزشی است، طرح شده است؟ به علاوه، هنگامی که صفحاتی که سوالات از آنها طراحی شده، بررسی می شود، نتایج بدین صورت می باشد: (صفحات ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵: سوالات ۱۸۵، ۱۹۳، ۱۹۰، ۱۹۶، ۲۰۴، ۱۹۴، ۲۰۵)، (صفحات ۳۶، ۳۷، ۳۸: سوالات ۱۸۶، ۲۰۷)، (صفحه ۵۳: سوال ۲۰۰)، (صفحات ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲: سوالات ۲۱۰، ۱۹۵، ۲۰۹). با توجه به داده های فوق، چرا باید از صفحه ۱۱ تا صفحه ۱۵، هفت سوال طرح شود و اتفاقاً از صفحه های ۱۱ و ۱۲، هر صفحه، دو سوال مطرح شود؟ انتخاب چنین صفحاتی شاید تنها بیانگر بی دقتی در طراحی سوالات باشد و وجه دیگری نمی تواند داشته باشد؛ چرا که از حدود ۴۸۰ صفحه این کتاب، تمرکز بر پنج صفحه برای طراحی هفت سوال، سنجیده به نظر نمی رسد. شاید طنز تاریخ باشد که سوالات، گزینه ها و منابع ماده امتحانی «جهان سوم و مسائل آن»، حقیقتاً جهان سومی است.

۵- قواعد صوری سوال نویسی: در این آزمون تمامی قواعد سوال نویسی رعایت شده است.^۱

تحلیل ماده امتحانی «اندیشه سیاسی غرب»

۱- روایی محتوایی آزمون (محورها و مضامین اصلی مورد سوال): موضوعات و محورهایی که در اندیشه سیاسی در غرب مورد سوال واقع شده اند همراه با شماره سوالات مربوطه، به شرح زیر می باشد: فوکو (۱۲۱)، آنا بابتیس (۱۲۲)، متفکران مخالف با مواضع پاپ

۱. لازم به ذکر است که برای هر آزمون، جدول ارزیابی نهایی، با توجه به نتایج بررسی های به عمل آمده، تهیه شده که در بخش ضمایم آورده شده است.

و هوادار پادشاه (۱۲۳)، هگل (۱۲۴)، روسو (۱۲۵)، هایک (۱۲۶)، کارل اشمیت (۱۲۷)، مایکل اکشات (۱۲۸)، سیسرو (۱۲۹)، لیبرالیسم (۱۳۰-۱۳۳)، مارکسیسم (۱۳۱)، پروتاگوراس (۱۳۲)، رواقیون (۱۳۴)، ماکیاولی (۱۳۵). بنا بر اصل حاکم در این زمینه که به هر میزان تعداد محورهای بیشتر باشد، امکان جامعیت آزمون بیشتر است، در اینجا چهارده موضوع برای پانزده سوال در نظر گرفته شده است تا اطلاعات و دانش آزمودنی‌ها در این موارد سنجیده شود. به همین دلیل، امتحان اندیشه سیاسی در غرب، از این نظر، مناسب است. تفکیک سوالات با توجه به واحدهای درسی، یعنی اندیشه سیاسی قرن بیستم (۴س، ۱۲۱-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸: ۲۶٪)، اندیشه سیاسی غرب الف (باستان و قرون وسطی) (۴س، ۱۲۳-۱۲۹-۱۳۲-۱۳۶: ۲۶٪)، اندیشه سیاسی غرب ب (معاصر) (۴س، ۱۲۲-۱۲۴-۱۲۵-۱۳۵: ۲۶٪)، اندیشه سیاسی غرب ب (مکاتب و ایدئولوژی‌ها) (۳س، ۱۳۰-۱۳۳-۱۳۱: ۲۰٪) بیانگر آن است که توزیع نسبتاً قابل قبولی با توجه به واحدهای درسی صورت گرفته است. با وجود این، نظر یکی از مدرسین این واحدهای درسی^۱ این است که می‌بایست سوالات بیشتر از یونان باستان با تمرکز بر افلاطون و ارسطو و نیز سده‌های میانه با تمرکز بر سنت آگوستین و سنت توماس آکویناس در این آزمون‌ها طرح شوند. در مورد جامعیت این آزمون، با توجه به سرفصل‌ها و منابع معتبر، می‌توان گفت که این جامعیت تا حدود زیادی وجود دارد.

۲- حیطه‌های شناختی مورد سنجش: حیطه‌های شناختی مورد سنجش در ماده امتحانی اندیشه‌های سیاسی در غرب به شرح زیر می‌باشد. داده‌ها به ترتیب، شامل حیطه‌های شناختی مورد سنجش، تعداد سوالات مربوطه و درصد می‌باشد: دانش (۶س، ۴۰٪)، فهمیدن (۴س، ۲۶٪)، کار بستن (۳س، ۲۰٪)، تحلیل (۱س، ۶٪)، ترکیب (۱س، ۶٪). اگر سه سطح نازل، متوسط و عالی را در این خصوص، مبنای داوری قرار دهیم، چهل درصد سوالات در سطح اول، ۴۶ درصد در سطح دوم و سیزده درصد در سطح سوم قرار می‌گیرد. با توجه معیارهای مربوطه، این ماده امتحانی از نظر حیطه‌های شناختی در سطح مناسب قرار دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد، افزایش سوالات معطوف به سطح سوم می‌تواند اعتبار و ارزش کیفی این ماده امتحانی را به میزان زیادی افزایش دهد.

۳- قواعد طرح و تهیه سؤالات و گزینه‌ها: با بررسی سوالات آزمون اندیشه سیاسی در غرب، برخی از مهم‌ترین نقدهای وارده زیر قابل بیان است.

الف) سوالات عیناً برگرفته از متن منبع: سوالاتی که حتی بدون کم‌ترین تغییر از متن منابع طراحی شده‌اند، به شرح زیر می‌باشند. داده‌ها، به ترتیب، شامل منبع، تعداد سؤالات،

۱. اظهار نظر دکتر محمد تقی قزلسفلی، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، با حدود ده سال سابقه تدریس در این حوزه.

شماره سوالات و درصد است: عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (۴س، ۱۲۳-۱۲۵-۱۲۹-۱۳۲): ۲۶٪، قادری، اندیشه های سیاسی قرن بیستم (۱س، ۱۲۸: ۶٪)، صلاحی، اندیشه های سیاسی قرن بیستم (۱س، ۱۳۴: ۶٪). بنا بر اطلاعات به دست آمده، شش سوال عیناً از منابع گرفته شده اند که حدود چهل درصد سوالات اندیشه سیاسی در غرب را تشکیل می دهد. این تعداد و درصد سوالات تا حدودی غیرقابل قبول بوده و سطح آزمون را نامناسب می گرداند. از این رو، دقت نظر بیشتر، اقتضا می کند که این گونه سوالات به حداقل برسد.

ب) سوالات ساده: در ماده امتحانی اندیشه سیاسی در غرب، چگونگی سوالات تکراری، به شرح زیر می باشد. داده ها به ترتیب، شامل دلیل سادگی، شماره سوال و موضوع مورد سوال می باشد. پاسخ روشن و آشکار با توجه به موضوع و وجه مورد سوال: (س ۱۳۲، پروتاگوراس)، پاسخ روشن و آشکار با توجه به گزینه های طرح شده: (س ۱۳۵، ماکیاولی). از مجموع پانزده سوال، دو سوال تکراری اند که حدود سیزده درصد سوالات را شامل می شود. این میزان سوالات ساده در یک آزمون قابل قبول می باشد.

ج) سوال از وجه فرعی موضوع مورد سؤال: در این آزمون، سوال زیر واجد این ویژگی است: ۱۲۶- فردریش هایک فیلسوف سیاسی معاصر از کدام اندیشمند تأثیر پذیرفته است؟ (۱ هگل (۲ بنام ۳) ادموند برک (۴) توماس هابز. **گزینه ۳ صحیح است.** با بررسی چند منبع اصلی در خصوص اندیشه های سیاسی در قرن بیستم که اندیشه سیاسی هایک را بررسی کرده اند، می توان به این نتیجه رسید که تأثیر گذارترین فرد بر هایک چه کسی بوده که مناسب بود سوال و گزینه از آن بیاید: (بشیری، ۱۳۷۸: ۸۱-۹۵). در این منبع، فقط از ادموند برک نام برده شده است که بر آموزه فردگرایی راستین هایک تأثیر گذار بوده است. اما با توجه به توضیحات نسبتاً مفصل از چگونگی تأثیر کانت بر هایک، می توان برداشت کرد که کانت، بیشترین تأثیر را بر هایک داشته است. برای دقت بیشتر، کتاب زیر هم مورد بررسی قرار گرفت (ویراسته فوریت و کینز - ساپر، ۱۳۸۰: ۱۹۵). در این کتاب از متفکرانی چون هیوم و آدام اسمیت نام برده شده که بر هایک تأثیر گذار بوده اند و اساساً نامی از ادموند برک به میان نیامده است. به علاوه، کتاب زیر هم مورد مطالعه قرار گرفت (غنی نژاد، ۱۳۸۱: ۹-۷۲). در این منبع، هم از برک و هم از کانت، به مثابه تأثیر گذران بر هایک، بحث شده است. متون بالا نشان می دهند که افراد زیادی بر هایک تأثیر گذار بوده اند، اما در بیشتر منابع اصلی آزمون، تأثیرگذاری مستقیم کانت بر او آمده است. اتفاقاً سوال تحلیلی درستی در اینجا می توانست شکل گیرد که حداقل به یکی از صورت بندی های زیر قابل طرح می بود: کانت بر چه وجهی از اندیشه سیاسی هایک تأثیر گذاشته است؟ (۱) معرفت شناسی (۲) فردگرایی (۳) فلسفه تاریخ (۴) تعریف و تبیین عدالت.

ادموند برک بر چه وجهی از اندیشه سیاسی هایدک تأثیر گذاشته است؟ (۱) معرفت‌شناسی (۲) فردگرایی (۳) سنت‌گرایی (۴) تعریف و تبیین عدالت.

د) **گزینه نادرست:** در این آزمون، سوال زیر با گزینه‌های نادرست وجود دارد: ۱۲۱- میشل فوکو در تحلیل ماهیت قدرت، بیشتر روی کدام عامل تأکید دارد؟ (۱) ایدئولوژی‌های حاکم (۲) سلطه و عملکردهای دولت (۳) حاکمیت حقوقی و قانونی (۴) تشکیلات و نهادهای دولتی. **گزینه ۲ صحیح است** (قادری، ۱۳۸۵: ۱۶۴): «از نظر وی، برای تحقیق ماهیت قدرت، نباید به بنای قانونی حاکمیت یا تشکیلات دولت و ایدئولوژی‌های حاکم، بلکه به سلطه و عملکردهای قدرت، از جمله ایجاد شکل‌های تبعیت توجه شود.» با توجه به متن موجود، پاسخ درست باید "سلطه و عملکردهای قدرت" [و از جمله ایجاد شکل‌های تبعیت] باشد و نه سلطه و عملکردهای دولت. پس، اساساً گزینه انتخابی، نادرست طراحی شده است. به علاوه، در واقع، هر چهار گزینه، یک معنا دارند و اگر یکی درست باشد سه گزینه دیگر هم درست‌اند؛ چرا که هر چهار گزینه بیان‌گر نهادهای حاکم و دولت ولی با تعبیر متفاوت هستند.

ه) **گزینه مبهم:** در سوالات اندیشه سیاسی در غرب دو سوال دارای ابهام جدی وجود دارد: ۱۲۵- در اندیشه سیاسی ژان ژاک روسو آزادی واقعی در جامعه مدنی، یعنی اطاعت از قوانین مصوب خود فرد، چه چیزی را تضمین می‌کند؟ (۱) گرایش به تمایلات خود خواهانه؛ (۲) تعیین حدود برابری و آزادی انسان‌ها؛ (۳) گستردگی آزادی‌های سیاسی انسان‌ها؛ (۴) اطاعت از قوانین آزادی و برابری انسان‌ها. **گزینه ۴ صحیح است** (عالم، ۱۳۸۴: ۳۵۵). با توجه به متن موجود در این منبع، پاسخ "اطاعت از قوانین آزادی و برابری انسان‌ها" باید به "آزادی و برابری انسان‌ها" تغییر یابد؛ چرا که از نظر روسو، اطاعت از قوانین مصوب خود فرد، چه چیزی را تضمین می‌کند؟ آزادی و برابری انسان‌ها را تضمین می‌کند. پس، عبارت "اطاعت از قوانین" اضافه است و پاسخ را اساساً دچار ابهام می‌کند؛ ۱۳۳- کدام یک از مکاتب و عقاید زیر با لیبرالیسم همراه‌تر است؟ (۱) محافظه‌کاری (۲) مرکانتالیسم (۳) نخبه‌گرایی (۴) مارکسیسم. **گزینه ۱ صحیح است.** این سوال و گزینه درست آن، از چند جهت قابل بررسی است. اول آن که در برخی منابع، محافظه‌کاری و لیبرالیسم در ضدیت با یکدیگر معرفی شده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۱۲۲-۱۷۷). به علاوه، مطابق (فوریست و کینز - ساپر، ۱۳۸۰: ۲۰۹-۲۱۰): «[به نظر هایدک] با وجود آن که بینش‌های محافظه‌کاری وجود دارند که لیبرال‌ها می‌توانند از آنها سود ببرند، بین حالت لیبرالی و محافظه‌کاری شکاف گسترده‌ای وجود دارد.» با توجه به این متون، نمی‌توان گفت محافظه‌کاری از جمله مکاتب و عقایدی است که در مقایسه با مرکانتالیسم، نخبه‌گرایی و مارکسیسم، با لیبرالیسم همراه‌تر است. حتی به تعبیر «هی وود»، این دو رقیب یکدیگرند (هی

وود، ۱۳۸۳: ۲۹). دوم، اگر از چگونگی تأثیر گذاری و یا رابطه بین این دو، سوال می شد بسیار عالمانه تر می بود. مانند این سوال: با توجه به نسبت لیبرال ها و محافظه کاران در سده های اخیر، کدام یک از گزینه ها درست است: (۱) هر محافظه کاری، لیبرال است (۲) هر لیبرالی، محافظه کار است (۳) هر محافظه کاری می تواند لیبرال باشد (۴) هر لیبرالی، می تواند محافظه کار باشد. **گزینه ۴ درست است.** از این رو، با توجه به منابع اصلی آزمون، طرح سؤال دقیق تر در این زمینه، مناسب تر بود.

۴- منابع آزمون: منابعی که در آزمون اندیشه سیاسی در غرب بوده، تعداد سوالات، شماره های مربوطه و درصد هر یک از آنها به شرح زیر هستند: قادری، اندیشه های سیاسی در قرن بیستم (۴ س، ۱۲۱-۱۲۸-۱۳۰-۱۳۱: ۲۶٪)، عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده های میانه) (۴ س، ۱۲۲-۱۲۴-۱۲۵-۱۳۵: ۲۶٪)، عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم) (۳ س، ۱۲۳-۱۲۹-۱۳۲: ۲۰٪)، عالم، نقد و بررسی آثار بزرگ سیاسی سده بیستم (اس، ۱۲۷: ۶٪)، ملک صلاحی، اندیشه های سیاسی غرب در قرن بیستم (اس، ۱۳۴: ۶٪). بر اساس داده های استخراج شده، سوالات تا حدودی در برخی منابع اصلی معرفی شده، توزیع شده اند؛ به گونه ای که از دو کتاب ۲۶ درصد و از یک کتاب بیست درصد و از منابع دیگر هم هر کدام شش درصد سوال طرح شده است.

۵- قواعد صوری سوال نویسی: همان طوری که در قسمت نقادی سوالات و پاسخ ها بیان شد سوالات ۱۲۱، ۱۲۵ و ۱۲۶ دارای گزینه های مبهم هستند که به بیان دیگر، برخی قواعد سوال نویسی در آنها رعایت نشده است.

تحلیل ماده امتحانی «تحولات سیاسی اجتماعی ایران»

۱- روایی محتوایی آزمون (محورها و مضامین اصلی مورد سوال): مجموعه مضامین و محورهایی که در آزمون تحولات سیاسی اجتماعی ایران مورد سوال واقع شده، همراه با شماره سوالات مربوطه، به شرح زیر می باشد: گروه ۵۳ نفر (۱۵۱)، منشی زاده و ابوالفتح زاده (۱۵۲)، رضاشاه (۱۵۳-۱۵۶-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۶)، مجلس شورای ملی (۱۵۴-۱۶۶)، سلیمان میرزا اسکندری و... (۱۵۵)، نخست وزیران عصر مشروطیت (۱۵۷)، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (۱۵۸)، حزب تجدد (۱۵۹)، انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۶۰)، جمعیت جوان بعد از انقلاب (۱۶۱)، شورای انقلاب اسلامی (۱۶۲)، نهضت مقاومت ملی، ساواک و... (۱۶۳)، اردشیر زاهدی (۱۶۴)، محمدرضا شاه (۱۶۵-۱۷۳)، محمد نخشب (۱۶۷)، جلال آل احمد (۱۶۸)، سیاست تعدیل ساختاری (۱۷۲)، بی ثباتی سیاسی (۱۷۴)، جریان های سیاسی مخالف (۱۷۵)، انقلاب اسلامی (۱۷۷-۱۷۹)، قوام (۱۷۸)، اقبال و امینی (۱۸۰). برای طراحی سی سوال تحولات

ایران، ۲۲ موضوع در نظر گرفته شده است. در این آزمون برای برخی از موضوعات، چندین سؤال طرح شده است که این امر، خود، جامعیت آزمون را تا حدودی کاهش می‌دهد. توزیع سؤالات با توجه به واحد‌های درسی مرتبط، یعنی تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران (الف و ب) (۲۱ س، ۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۹-۱۶۳-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۸-۱۸۰: ۷۰٪)؛ انقلاب اسلامی (۸ سوال، ۱۵۸-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱: ۲۶٪)؛ تاریخ روابط خارجی ایران (۱ سوال، ۱۷۱: ۳٪) نشان می‌دهد که هفتاد درصد سؤالات به درس تاریخ تحولات ایران (به ارزش هشت واحد) اختصاص دارد و درس انقلاب اسلامی هم به ارزش دو واحد، ۲۶ درصد سؤالات را به خود اختصاص داده است؛ در حالی که دو درس دیگر یعنی تاریخ روابط خارجی ایران به ارزش چهار واحد و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ارزش سه واحد، تقریباً سؤالی از آنها طرح نشده است. این امر، جامعیت این ماده امتحانی را به شدت دچار چالش می‌کند. اگر سؤالات با در نظر گرفتن دوره‌های تاریخی، طبقه‌بندی شوند: دوره مشروطه (۴ سوال، ۱۵۲-۱۵۴-۱۶۴-۱۶۵: ۱۳٪)؛ دوره رضاشاه (۸ سوال، ۱۵۱-۱۵۳-۱۵۶-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۶-۱۷۷: ۱۵۹: ۲۶٪)؛ دوره محمدرضا شاه (۱۱ سوال، ۱۵۵-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۸: ۳۶٪)؛ دوره انقلاب اسلامی (۷ سوال، ۱۵۸-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰: ۲۳٪). بنا بر اظهار نظر مدرس این حوزه^۱، با توجه به اهمیت دوره مشروطه در تاریخ تحولات ایران، تعداد هشت سوال با سیزده درصد، میزان و درصدی قابل قبول نیست. با توجه به سرفصل‌ها و منابع معتبر، جامعیت این ماده امتحانی، بدین شرح، قابل بیان است: هر چند سؤالات تاریخ تحولات ایران، محورهای مهم برخی از درس‌های مربوطه را در بر می‌گیرد، اما نسبت به موضوعات مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط خارجی ایران، کاملاً بی‌اعتناست. از این رو، جامعیت این آزمون، تا حدود زیادی با مشکل جدی مواجه است. در این آزمون با توجه به واحدهای درسی متفاوت، حداقل، موضوعات و محورهایی چون سیاست موازنه منفی، ناسیونالیسم مثبت، سیاست مستقل ملی، تحکیم وابستگی، روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ، روابط ایران با همسایگان، گفتمان‌های سیاست خارجی ایران: گفتمان مصلحت محور یا واقع‌گرا، گفتمان ارزش محور یا آرمان‌گرا، گفتمان منفعت محور - اصلاح طلبی اقتصادی (عمل‌گرا)، گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست محور، تنش‌زدایی، دکترین ام‌القرای و دکترین گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند مورد پرسش واقع شود.

۱. اظهار نظر دکتر مهدی رهبری، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران و مدرس تاریخ تحولات ایران با حدود ده سال سابقه تدریس.

۲- حیطه های شناختی مورد سنجش: حیطه های مورد سنجش در ماده امتحانی تحولات ایران به شرح زیر می باشد. داده ها به ترتیب، شامل حیطه های شناختی مورد سنجش، تعداد سوالات مربوطه و درصد می باشد: دانش (۵ اس، ۵۰٪)، فهمیدن (۹ اس، ۳۰٪)، کار بستن (۳ اس، ۱۰٪)، تحلیل (۲ اس، ۶٪)، ترکیب (۱ اس، ۳٪). بررسی این حیطه ها بیان گر آن است که پنجاه درصد سوالات برای سنجش دانش جزئی آزمودنی ها که نازل ترین سطح برای سنجش اطلاعات است می باشد. چهل درصد سوالات هم در سطح متوسط با هدف سنجش فهمیدن و کار بستن می باشد. تنها نه درصد سوالات برای سنجش تحلیل، ترکیب و ارزشیابی طرح شده اند. البته، بهتر است برای تحلیلی شدن آزمون، سطح دوم و سوم شناختی که سطوح عالی تر برای ارزیابی میزان اطلاعات و دانش آزمودنی ها است، افزایش یابد.

۳- قواعد طرح و تهیه سؤالات و گزینه ها: با بررسی سوالات آزمون تاریخ تحولات ایران، برخی از مهم ترین نقدهای وارده زیر قابل بیان است.

الف) سوالات عیناً بر گرفته از متن منبع: سوالاتی که حتی بدون کم ترین تغییر از متن منابع طراحی شده اند، به شرح زیر می باشند. داده ها، به ترتیب، شامل منبع، تعداد سؤالات، شماره سوالات و درصد است: آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب (۲ اس، ۱۵۱-۱۶۷: ۶٪)، کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران (۱ اس، ۱۶۹: ۳٪). در آزمون تحولات ایران، تنها سه سوال با نه درصد، عیناً برگرفته از متن منابع هستند که این تعداد و درصد، تا حدود زیادی، پذیرفته شده است.

ب) سوالات تکراری: در این ماده امتحانی، سوالات تکراری زیر وجود دارد: س ۱۵۶، این سوال در آزمون ۸۱- س ۱۲۱ آمده است. س ۱۷۸، این سوال در آزمون ۸۱- س ۱۴۱ نیز آمده است. س ۱۷۰، این سوال در آزمون ۸۲- س ۱۶۶ و آزمون ۸۶- س ۱۷۸ آمده است. س ۱۵۹، این سوال در آزمون ۸۲- س ۱۵۹ و آزمون ۸۱- س ۱۲۲ نیز آمده است. س ۱۷۷، این سوال در آزمون ۸۶- س ۱۸۰ آمده است. س ۱۵۷، این سوال در آزمون ۸۱- س ۱۳۲ نیز آمده است. از سی سوال تاریخ تحولات ایران، شش سوال تکراری است که بیست درصد سوالات را تشکیل می دهد. از آن جا که این دسته سؤالات، قادر به تشخیص آزمودنی های شایسته نیستند، ضروری است تا نسبت به کاهش این گونه سوالات، اقدام جدی صورت گیرد.

ج) سوالات ساده: در آزمون تحولات ایران سوالات ساده زیر وجود دارد. داده ها به ترتیب، شامل دلیل سادگی، شماره سوال و موضوع مورد سوال می باشد. در آزمون های قبلی آمده است: (س ۱۵۶ نهضت جمهوری در ایران؛ س ۱۵۹ حزب تجدد؛ س ۱۷۰ هزینه های برنامه های نوسازی رضاشاه؛ س ۱۷۱ نوسازی رضاشاه)، شرح و بسط در درس های مختلف علوم سیاسی: (س ۱۶۱ طبقه متوسط شهری در ایران بعد از انقلاب؛ س ۱۶۹ رضا شاه -

سازمان ثبت احوال و اسناد)، پاسخ روشن و آشکار با توجه به موضوع و وجه مورد سوال: (س ۱۶۶، اصلاحات ارضی و ترکیب اجتماعی نمایندگان). از سی سوال تاریخ تحولات ایران، هفت سوال ساده می‌باشد که حدود ۲۳ درصد کل سوالات آزمون را تشکیل می‌دهد. این تعداد و درصد سوالات ساده، از اعتبار و ارزش آزمون می‌کاهد. از آنجا که آزمودنی‌ها به سادگی به این نوع سوالات، پاسخ می‌دهند، این روند، ابزار مناسبی برای سنجش دانش واقعی آزمودنی نیست. از این رو، ضرورت دارد تا برای اصلاح این روند، چاره‌جویی شود و تعداد آن به حداقل قابل قبول برسد.

د) **گزینه نادرست:** در آزمون تحولات، سوالاتی وجود دارد که گزینه انتخابی آنها نادرست می‌باشد: ۱۷۰- بخش اصلی هزینه‌های برنامه‌های نوسازانه دولت رضاشاه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ از چه منبعی تأمین شد؟ (۱) فروش نفت (۲) استقراض خارجی (۳) مالیات و انحصارات دولتی (۴) مشارکت مالی و اعتباری بخش خصوصی. **گزینه ۳ صحیح است.** با توجه به منابع: (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۶۱-۱۷۹؛ (ازغندی، ۱۳۸۲: ۳۴۵) و (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۴)، پاسخ درست به این سوال، گزینه یک است و نه سه. البته، اساساً سوال و پاسخ درست باید به یکی از دو شکل زیر صورت بندی می‌شد؛ چرا که بخش اصلی هزینه‌های برنامه‌های نوسازی رضاشاه، در طی دو دوره زیر، متفاوت بوده است: منبع اصلی هزینه‌های نوسازانه رضاشاه در سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۱۲ کدام مورد بوده است: (۱) مالیات و انحصارات دولتی (۲) فروش نفت (۳) استقراض خارجی (۴) مشارکت مالی و اعتباری بخش خصوصی. **گزینه یک درست است؛** منبع اصلی هزینه‌های نوسازانه رضاشاه در سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۲۰ کدام مورد بوده است: (۱) مالیات و انحصارات دولتی (۲) فروش نفت (۳) استقراض خارجی (۴) مشارکت مالی و اعتباری بخش خصوصی. **گزینه دو درست است.** ۱۵۸- کدام سازمان انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی را تحریم کرد؟ (۱) جامعه روحانیت مبارز (۲) مجمع روحانیون مبارز (۳) حزب کارگزاران سازندگی (۴) سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. **گزینه چهارم درست است.** بر اساس موارد زیر، نه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و نه سه گروه دیگر، انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی را تحریم نکردند. اول، بنا بر اطلاع یکی از اساتید^۱، ظاهراً بلافاصله بعد از آزمون ارشد در اسفند ۱۳۸۶، «سایت بازتاب» نسبت به این سوال، واکنش نشان داد و نوشت: چرا در یک امتحان علمی، نگرش جناحی، دخالت کرده و یک امر غیر واقعی (یعنی تحریم کردن انتخابات از سوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) مورد پرسش قرار گرفته است. دوم، بر اساس اطلاع مؤلف این مقاله، تنها «دفتر تحکیم وحدت» بنا بر اطلاعیه‌های آن، انتخابات مجلس را

۱. علی کریمی، از اعضای هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

تحریم کرد. سوم، هم در دانش سیاسی و هم در مواضع گروه های سیاسی، بین «شرکت نکردن» و «تحریم» تفاوت وجود دارد. در کنفرانس خبری دبیر کل جبهه مشارکت که با عنوان «شرایط جبهه مشارکت برای حضور در انتخابات» است، آمده است که جبهه مشارکت در انتخابات اول اسفند شرکت نخواهد کرد. او این موضع گیری را «عدم شرکت» خواند ولی در عین حال افزود که در میان شرکت کنندگان در کنگره، موضع «تحریم انتخابات» هم مطرح بوده است (شرق، ۱۴ بهمن ۱۳۸۲: ۲). چهارم، اما مهم ترین ملاک برای ارزیابی مواضع سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در انتخابات، اطلاعیه های رسمی خود این سازمان است. بنا بر اخبار منتشره در زمان انتخابات: «مجاهدین انقلاب، لیست انتخاباتی نمی دهند» (شرق، ۲۷ بهمن ۱۳۸۲: ۴)؛ بنا بر خبرگذاری ایلنا، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور بیانیه ای اعلام کرد: در انتخابات غیر آزاد و غیر عادلانه شرکت نمی کنیم. در پایان این بیانیه آمده است: «با توجه به اخبار، شایعات و واقعیات فوق، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران از وزارت کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور می خواهد ضمن اتخاذ تدابیر ویژه برای صیانت از رأی مردم و مقابله با تقلبات احتمالی، با روشن کردن صحت یا تکذیب اخبار نگران کننده فوق، موجبات آسودگی خاطر ملت را فراهم آورند» (شرق، ۲۹ بهمن ۱۳۸۲: ۴). از این رو، هم گزینه انتخابی (یعنی گزینه چهار) نادرست است و هم هیچ یک از سه گزینه دیگر، درست نیستند؛ ۱۶۸- چه کسی در ابتدا از اعضای اصلی حزب توده بود و سپس به حزب زحمتکشان ملت ایران پیوست و آخر الامر جامعه سوسیالیست ها را تأسیس نمود؟ (۱) مهدی بازرگان (۲) جلال آل احمد (۳) حسین فاطمی (۴) مظفر بقایی. بررسی حزب توده، حزب زحمتکشان و جامعه سوسیالیست ها نشان می دهد که تنها «خلیل ملکی» چنین روندی را طی کرده است: مطالعه و بررسی (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۱۳-۵۶۳)، به ویژه صفحه های ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۸۳ و ۵۶۳، نشان می دهد که تنها گزینه درست، خلیل ملکی است که در گزینه های چهارگانه اساساً مطرح نشده است. بدیهی است وجود سه سوال از این دست در یک ماده امتحانی آزمون ارشد، بیان گر بی دقتی در طراحی سوالات و آسیب جدی به این آزمون قلمداد می شود.

و) سوال نادرست: در این ماده امتحانی، سوال ۱۷۰ که از نظر «وجود پاسخ های متفاوت با توجه به منابع متفاوت»، در بالا بررسی شد، دارای یک اشتباه در متن خود سوال نیز است؛ چرا که برنامه های نوسازی رضاشاه از سال ۱۳۰۴-۱۳۲۰ بوده است و نه ۱۳۰۰-۱۳۲۰. از آنجا که عنوان «رضاشاه» بعد از ۱۳۰۴ به او قابل اطلاق است و نه از ۱۳۰۰، بخشی از این سوال، به لحاظ تاریخی هم نادرست است.

۴- منابع آزمون: سوالات تاریخ تحولات از منابع زیر طراحی شده است. تعداد سوالات، شماره های مربوطه و درصدهای هر یک به شرح زیر می باشد: ایران بین دو انقلاب، پرواند

آبراهامیان (۱۱ سوال، ۱۵۱-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۷-۱۵۹-۱۶۵-۱۶۷-۱۶۸-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰: ۳۶٪)، اقتصاد سیاسی ایران، محمد علی کاتوزیان (۶ سوال، ۱۵۲-۱۵۶-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۹-۱۷۱: ۲۰٪)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران (جلد دوم)، یحیی فوزی (۳ سوال، ۱۶۱-۱۷۲-۱۷۷: ۱۰٪)، درآمدی بر جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی ایران، مهدی رهبری (۲ سوال، ۱۷۳-۱۷۴: ۶٪)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، سید علیرضا ازغندی (۱ سوال، ۱۶۶: ۳٪). داده‌ها نشان می‌دهند که سوالات این ماده امتحانی تا حدودی در منابع مختلف توزیع شده است. با وجود این، تمرکز بر یک منبع با حدود چهل درصد سوالات از آن و عدم استفاده از برخی منابع معرفی شده، شاید چندان قابل قبول نباشد.

۵- قواعد صوری سوال نویسی: طبق قواعد سوال نویسی باید «هر سوال یک موضوع مهم را اندازه گیرد». این قاعده اساساً در سوالات زیر رعایت نشده است: ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۷۱. به لحاظ قواعد و اصول آزمون‌سازی، وجود پنج سوال با شرایط بالا، قابل قبول نیست.

تحلیل ماده امتحانی «نظام‌های سیاسی تطبیقی»

۱- روایی محتوایی آزمون (محورها و مضامین اصلی مورد سوال): در آزمون نظام سیاسی تطبیقی، موضوعات و موارد زیر، مورد پرسش قرار گرفت. این موضوعات به همراه سؤالات مربوطه به شرح زیر هستند: اپتر (۲۱۱-۲۲۲-۲۲۷)، ویر (۲۱۲)، رژیم‌های غیر مساوات طلب سنتی (۲۱۳)، الگوی سوم بلک (۲۱۴)، تنوع ساختاری و استقلال نسبی خرده نظام‌ها (۲۱۵)، مشارکت (در شوروی ۱۹۹۰، در آمریکا) (۲۱۶-۲۲۰)، گروه (۲۱۷-۲۱۸)، فرهنگ سیاسی (۲۱۹-۲۲۴-۲۲۶-۲۳۵)، تمایلات سیاست‌گذاری (۲۲۱)، مدل (۲۲۳-۲۳۰-۲۳۲)، مرتن (۲۲۵)، احزاب (۲۲۸-۲۳۱-۲۳۳)، ایستون (۲۲۹)، جامعه‌پذیری سیاسی (۲۳۴). اگر اصل حاکم در این مورد، مبنای قضاوت و داوری باشد، این داده‌ها حکایت از ضعف نسبتاً جدی این ماده امتحانی به لحاظ جامعیت دارد؛ چرا که برای ۲۵ سوال، چهارده موضوع در نظر گرفته شده است و این امر، نشان از وجود چندین سوال با موضوع واحد دارد. اگر این مضامین را بخواهیم دقیق‌تر تقسیم‌بندی کنیم و موارد مشابه را کنار هم قرار دهیم، این نتایج به دست می‌آید: اپتر (۳ س: ۲۱۱-۲۲۲-۲۲۷) البته خود اپتر از کارکردگرایان نیز است؛ کارکردگرایی (۹ س: ۲۱۱-۲۱۵-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۵-۲۲۷-۲۲۹-۲۳۱-۲۳۴)؛ فرهنگ سیاسی (۴ س: ۲۱۹-۲۲۴-۲۲۶-۲۳۵)؛ مدل (۳ س: ۲۲۳-۲۳۰-۲۳۲) و احزاب (۳ س: ۲۲۸-۲۳۱-۲۳۳). چنان‌چه داده‌ها نشان می‌دهند موضوع کارکردگرایی اساساً مورد تأکید طراحان سوال بوده است؛ به گونه‌ای که نه سوال در مورد آن طرح شده است. بنا بر اظهار نظر مدرس این

حوزه^۱ و با توجه به منابع معتبر و سرفصل، در نظام های سیاسی تطبیقی که روش ها و الگوهای متفاوتی برای تجزیه و تحلیل وجود دارد چه چیزی موجب تمرکز بر کارکرد گرایسی در این سطح و به این میزان شده است. مناسب است در ماده امتحانی نظام های سیاسی تطبیقی، به «فرآیندها و روندها» مانند فرآیند تصمیم گیری، روند ملت- دولت سازی، روند و کانال های مشارکت پذیری سیاسی، فرآیند اعتماد سازی و مشروعیت بخشی یا مشروعیت زدایی در نظام های سیاسی، فرآیند های سیاسی شدن حوزه های اجتماعی که می تواند مقیاس مناسبی برای سنجش تفاوت ها و تشابهات نظام های سیاسی باشد، توجه بیشتری شود.

۲- حیطه های شناختی مورد سنجش: حیطه های شناختی مورد سنجش در این ماده

امتحانی به شرح زیر می باشد. داده ها به ترتیب، شامل حیطه های شناختی مورد سنجش، تعداد سوالات مربوطه و درصد می باشد: دانش (۱۲س، ۴۸٪)، فهمیدن (۶س، ۲۴٪)، کار بستن (۲س، ۸٪)، تحلیل (۳س، ۱۲٪)، ترکیب (۲س، ۸٪). اطلاعات حاصله، نشان می دهد که ۴۸ درصد سوالات در سطح اول یعنی دانش با درجه پایین شناختی، ۳۲ درصد در سطح دوم یعنی فهمیدن و کار بستن با درجه متوسط، و بیست درصد هم در سطح عالی یعنی تحلیل، ترکیب و ارزشیابی قرار دارند. سوالات با جهت گیری سطوح عالی تر حیطه های شناختی، از وجوه مثبت این آزمون به شمار می آید. با وجود این، تلاش برای کاهش سطح اول و افزایش سطوح بعدی باید از دغدغه های اساسی طراحان این ماده امتحانی باشد.

۳- قواعد طرح و تهیه سوالات و گزینه ها: با بررسی سوالات آزمون نظام های سیاسی

تطبیقی، برخی از مهم ترین نقدهای وارده زیر قابل بیان است.

الف) سوالات عیناً برگرفته از متن منبع: سوالاتی که حتی بدون کم ترین تغییر از متن منابع طراحی شده اند، به شرح زیر می باشند. داده ها، به ترتیب، شامل منبع، تعداد سوالات، شماره سوالات و درصد است: قوام، سیاست های مقایسه ای (۱۲س، ۲۱۱-۲۱۴-۲۱۷-۲۱۸-۲۲۳-۲۲۸-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۳-۲۳۵-۲۲۵-۲۲۶-۴۸٪)، قوام، چالش های توسعه سیاسی (۲س، ۲۱۲-۲۱۵: ۸٪)، آلموند و همکاران، سیاست تطبیقی (۲س، ۲۲۴-۲۲۰: ۸٪). بنا بر داده های به دست آمده، ۶۴ درصد سوالات عیناً از متن منبع اخذ شده اند که البته این امر از نقاط ضعف جدی این آزمون تلقی می شود و از وجه مثبت حیطه های شناختی که در بالا به آن اشاره شد می کاهد.

۱. اظهار نظر دکتر علی کریمی، عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران و مدرس نظام های سیاسی تطبیقی با حدود ده سال سابقه تدریس.

ب) **سوالات تکراری:** در این آزمون سوالات تکراری زیر وجود دارد: س ۲۲۸، این سوال در آزمون ۸۳- س ۱۷۲ آمده است. س ۲۲۵، وجوه دیگر این سوال در آزمون ۸۵- س ۱۳۳ نیز آمده است. در این آزمون، مطابق داده های فوق، تنها دو سوال تکراری وجود دارد که حدود سیزده درصد می باشد. این تعداد و درصد سوالات تکراری در یک ماده امتحانی، قابل قبول است.

ج) **سوالات ساده:** سوالات ساده نظام سیاسی تطبیقی به شرح زیر است. داده ها به ترتیب، شامل دلیل سادگی، شماره سوال و موضوع مورد سوال می باشد. در آزمون های قبلی آمده است: (س ۲۳۳ تعریف مدل). شرح و بسط در درس های مختلف علوم سیاسی (س ۲۳۱ احزاب؛ س ۲۲۹ تعریف دیوید ایستون از سیاست؛ س ۲۲۶ نظریه پردازان فرهنگ سیاسی؛ س ۲۱۲ وبر- بروکرسی). از مجموعه بیست و پنج سوال، پنج سوال به صورت ساده و آسان طراحی شده اند که بیست درصد سوالات را شامل می شود. این تعداد و درصد سوالات ساده، تا حدودی، قابل قبول نمی باشد؛ در نتیجه، باید نسبت به میزان و درصد سوالات از نظر سطوح دشواری و آسان بودن، دقت بیشتر صورت گیرد.

د) **سوال با شماره خاص الگو:** یک سوال در این آزمون وجود دارد که مربوط به شماره خاص الگوی «بلک» است؛ البته، این نوع سؤال در آزمون های پیشین هم سابقه دارد. ۲۱۴- الگوی سوم «بلک» در مورد شیوه های نوسازی شامل جوامعی می شود که طی آن ... در این سوال، شماره های الگویی «بلک» مورد سوال قرار گرفته است. ایراد اصلی در این زمینه این است که چرا می بایست دانشجو حتماً شماره های الگویی «بلک» را بداند؟ الگوی سوم یا الگوی چهارم، چه ویژگی دارند که باید به صورت خاص و حتماً بر اساس شماره مربوطه فرا گرفته شوند؟

ه) **سوال از دیگر ماده های امتحانی:** چگونگی سؤالات از دیگر ماده های امتحانی بدین صورت است: مبانی علم سیاست (س ۱، ۲۲۹: ۴٪)، اندیشه سیاسی (س ۱، ۲۲۶: ۴٪)، سیاست و حکومت در شوروی (سابق) (س ۱، ۲۱۶: ۴٪)، سیاست و حکومت در آمریکا (س ۱، ۲۲۰: ۴٪). در آزمون نظام های سیاسی تطبیقی، چهار سوال که شانزده درصد کل سوالات این ماده امتحانی را در بر می گیرد؛ از دیگر حوزه های امتحانی طرح شده است. وجود هر گونه سوالی از این نمونه، موجب کاهش درجه اعتبار آزمون شده و سطح آن را نامناسب می گرداند.

۴- **منابع آزمون:** منابع آزمون نظام های سیاسی تطبیقی به همراه تعداد سوالات، شماره های مربوطه و درصد هر یک به شرح زیر می باشند: قوام، سیاست های مقایسه ای (۱۶ سوال - ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵: ۶۴٪)، آلموند و دیگران (۵ سوال - ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۴: ۲۰٪)، قوام، چالش های

توسعه سیاسی (۲ سوال - ۲۱۲، ۲۱۵ : ۸٪). چنان که داده‌ها نشان می‌دهند بیش از هفتاد درصد سوالات از دو کتاب قوام، سیاست‌های مقایسه‌ای (۶۴ درصد) و قوام، چالش‌های توسعه سیاسی (هشت درصد) طرح شده‌اند. از کتاب آلموند و دیگران، چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی هم بیست درصد سوال آمده است. طرح عمده سوالات از یک منبع خاص، از نقاط ضعف این ماده امتحانی محسوب می‌شود. البته، کتاب چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، در هیچ یک از مراجعی که منابع ارشد علوم سیاسی را معرفی کرده‌اند، نیامده است.

۵- قواعد صوری سوال نویسی: در این آزمون، دو قاعده سوال نویسی در سوال‌های ۲۳۵ و ۲۲۱ رعایت نشده است: در سوال ۲۳۵، قاعده «جای خالی در انتهای تنه سوال قرار داده شود» رعایت نشده است. فعل در سوال ۲۲۱ نباید «دارد» باشد؛ بلکه فعل «است»، مناسب با این گزاره است: تمایلات سیاست‌گذاری، در نظام‌های در حال گذار، هیجان‌گرا است. از این رو، فعل «دارد»، این گزینه را دچار ابهام کرده است.

مقایسه و تحلیل نهایی ماده‌های امتحانی

معیار اصلی برای مقایسه و تحلیل نهایی آزمون‌ها، نقاط قوت و ضعف شناسایی شده آنها در قسمت‌های بررسی شده می‌باشد. بررسی دقیق نشان می‌دهد که سه ماده امتحانی اندیشه سیاسی غرب، اندیشه سیاسی اسلامی و مبانی علم سیاست در طیف نسبتاً مناسب قرار دارند (بنابر طیف بندی در ضوابط) که آزمون اندیشه سیاسی اسلام رتبه اول را داراست و آزمون‌های مبانی علم سیاست و اندیشه سیاسی غرب، بعد از آن قرار دارند. سه ماده امتحانی نظام‌های سیاسی تطبیقی، تاریخ تحولات ایران و جامعه‌شناسی سیاسی در طیف نسبتاً نامناسب قرار دارند که در این میان، آزمون نظام‌های سیاسی تطبیقی به طیف نسبتاً مناسب نزدیک است؛ در حالی که آزمون جامعه‌شناسی سیاسی به طیف نامناسب نزدیک می‌باشد. آزمون جهان سوم و مسائل آن هم که در طیف نامناسب قرار دارد. این دسته بندی به ما نشان می‌دهد که کدام آزمون‌ها به چه میزان، آسیب‌های جدی دارند و در نتیجه نیازمند تجدید نظر و اصلاحات اساسی می‌باشند. در پرتو این ارزیابی نهایی، آزمون جهان سوم و مسائل آن نیازمند اصلاحات جدی و اساسی است؛ همان طوری که آزمون‌های جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخ تحولات ایران و در مرتبه بعد نظام‌های سیاسی تطبیقی به تجدید نظر و اصلاحاتی قابل ملاحظه نیاز دارند. آزمون‌های سه گانه مبانی اندیشه سیاسی غرب، علم سیاست و اندیشه سیاسی اسلام، به نسبت، دارای وضعیتی بهتر هستند؛ هر چند با توجه به نقاط ضعف شناسایی شده، آنها نیز نیازمند اصلاحات مربوطه می‌باشند.

پیشنهادات: با توجه به بررسی‌های انجام شده، پیشنهادات زیر برای برطرف کردن ایرادات اصلی مطرح شده، ارائه می‌شود: ۱. تلاش برای افزایش جامعیت آزمون از طریق حذف سؤالات با موضوعات واحد، در بر گرفتن تمامی واحد‌های مرتبط و در نظر گرفتن مضامین و محورهای مهم ماده امتحانی مربوطه؛ ۲. تلاش برای حذف سؤالات مطرح شده در آزمون‌های پیشین، به ویژه در سال‌های اخیر؛ ۳. تلاش برای استفاده بیشتر از تمامی منابع اصلی معرفی شده برای طراحی سؤالات؛ ۴. تلاش برای افزایش سطوح دوم و سوم و نیز کاهش سطح اول حیطه‌های شناختی؛ ۵. تلاش برای کاهش جدی مواردی چون وجود پاسخ‌های متفاوت با توجه به منابع متفاوت، سؤال از وجوه فرعی و حذف مواردی چون گزینه‌های نادرست، گزینه مبهم، طراحی سؤال نادرست و سؤال از دیگر ماده‌های امتحانی.

منابع و مأخذ:

۱. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
۲. ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۲) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران. تهران: سمت.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۸) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری. تهران: نشر نی.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۵) آموزش دانش سیاسی. تهران: نگاه معاصر.
۵. جمالی، حسین (۱۳۸۵) «آسیب‌شناسی آزمون‌های پنج سال اخیر کارشناسی ارشد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۵، صص ۲۳-۷۸.
۶. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
۷. سریع القلم، محمود (۱۳۸۱) روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۸. سریع القلم، محمود (۱۳۸۲) عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۹. سیف، علی اکبر (۱۳۸۴) سنجش فرایند و فرآورده‌ی یادگیری: روش‌های قدیم و جدید. تهران: نشر دوران.
۱۰. سیف، علی اکبر (۱۳۸۶) اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: نشر دوران.
۱۱. سیف، علی اکبر (۱۳۸۰) روش‌های اندازه‌گیری و ارزش‌یابی آموزشی. تهران: نشر دوران.
۱۲. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۷) تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۱) درباره‌ی هایک. تهران: نگاه معاصر.
۱۴. فورسیت، موری، کینز-ساپر، موریس (ویراسته) (۱۳۸۰) نقد و بررسی آثار بزرگ سیاسی سده بیستم. ترجمه‌ی عبدالرحمن عالم. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. قادری، حاتم (۱۳۸۵) اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: سمت.
۱۶. کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۵) اقتصاد سیاسی ایران. تهران: نشر مرکز.
۱۷. مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۸۴) روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم (۱۳۷۱) سنجش و اندازه‌گیری و بنیادهای تحلیلی ابزارهای آن در علوم تربیتی و روان‌شناسی. تهران: انتشارات معین.
۱۹. هیوود، اندرو (۱۳۸۳) مقدمه‌ی نظریه سیاسی. ترجمه عبد الرحمن عالم. تهران: نشر قومس.
۲۰. روزنامه شرق، ۱۴، ۲۷ و ۲۹ بهمن ۱۳۸۲.